



## «خاطرات مباشر انگلیسی سردار اگر»

نویسنده فرانسیس فوربزلیث

(۴)

### فصل دوم

شش ماه قطع رابطه - هفته‌های اول اقامت مادر «لت گاه» - شایعات -  
فاجعه هنگ «منچستر» - سر کوبی ارتش سفید بوسیله قوای سرخ  
دو هفته بعد از ورود به لت گاه یکی از دوستان نزدیک ما بنام سروان بازیل مورگان  
افسر اداره فوایدعامه عراق ، برای ملاقات ما و در ضمن گذراندن دوره نقاهت بیماری  
خود در هوای خوب لت گاه - پس از طی دوره بیماریش در بغداد - بدیدن ما آمد . او دوره  
بیماری خود را در بغداد گذرانیده بود و تصمیم داشت برای مدت سه هفته باما بماند . ولی  
پس از سپری شدن این مدت ، موقعیکه قصد مراجعت کرد متوجه شد بعلت شورش عربها  
راه بسته است و در نتیجه بمدت ششماه تمام پیش ما ماند تا شورشیان عرب سرکوب گردیدند  
و راه عزیمت باز شد . در این چندماه ما در لت گاه بخاطر حوادثی که شورشیان بوجود  
آورده بودند فوق العاده مضطرب بودیم و با اینکه از جانب اعراب شورش خظری برای  
ما وجود نداشت ، ولی همه نگران پیشروی آنان و امکان هجوم باینسوی مرز بودیم . زیرا  
در آنموقع به عمت قوای ژنرال دنسترویل و باکمک لشگری قدرتمند متشکل از افراد  
انگلیسی و هندی ، در منطقه ای واقع در انتهای خط آهن بغداد ، نزدیک مرز ایران به  
اعراب چنان شکست سختی وارد شده بود که همه صحرا را رها نموده و به کوهستانها پناه برده  
بودند . در اثر وجود این شورشیان در بین راه ، رابطه پستی بسیار محدود شده بود و  
مراوده مافقط از راه بوشهر و اصفهان صورت میگرفت و آنهم جز بوسیله چارپایان امکان  
نداشت و در نتیجه اخباری که دریافت میکردیم اغلب به سه یا چهارماه قبل از آن مربوط

\* آقای دکتر حسین ابوترابیان از ترجمانان و پژوهندگان معاصر.

بود. ولی در عین حال، شایعاتی متعدد مارا احاطه کرده بود و بشدت آزار میداد و اغلب آنها حقیقت داشت. اطلاعیه‌هایی هم که مرکز فرماندهی قشون بطور مرتب انتشار میداد، چون از مجاری مختلف میگذشت، حسب‌المعمول بسانسورهای متعدد دوچار میشد و در نتیجه جز مقداری حقایق پرده‌پوشی شده، نداشت. ولی ما شك نداشتیم که قوای انگلیسی در وضعی بسیار نامساعد بسر میبرند و اصولاً، عربها که گرمای آزاردهنده تابستان بین‌النهرین را بخوبی تحمل میکنند مخصوصاً چنین فصلی را برای عملیات خود انتخاب کرده‌اند. زیرا آنان بعلت آنکه در صحرا متولد شده‌اند و از کودکی مشقات مختلف و عملیات صحرائی و انواع گوناگون مبارزه در زیر آفتاب سوزان را بدون استفاده از آب آشامیدنی میآموزند، بخوبی میتوانند بهنگام طلوع آفتاب براسی بدون زین‌سوار شوند و باهمراه داشتن يك تفنگ و يك قطار فشنگ و جیره‌ای بصورت يك مشت آرد و چند دانه خرما که آنرا در گوشه تن‌پوش خود گره‌زده‌اند، تا مسافت بیست میل حرکت کنند و پس از جنگ و جدال بادشمن، دوباره قبل از غروب آفتاب، بدون اینکه در این مدت جیره‌ای آب نوشیده باشند - به‌مقر خود بازگردند. در مقابل آنان، بخوبی میتوان تصور کرد که قوای انگلیسی بر اثر بیگانگی با این آب و هوا و تحمل حرارت طاقت فرسای صحرانوردی درجه صحرا، چه غذایی میکشند و چگونه باید مقداری زیاد آب و غذا، بخاطر خود و اسبانشان حمل کنند و در نتیجه قدرت تحرکشان از میان میرود.

در کشورهای مشرق‌زمین، اخبار مختلف خیلی زود پراکنده میشود و در ضمن جریان، ماهیت آن هائیز تغییر میکند لذا تعجب آور نیست که اگر خبر حادثه‌ای که در فاصله یکصد میلی به وقوع پیوسته، در عرض چند ساعت دریافت شود. ما در محل خود همیشه خبرهای ناراحت‌کننده فراوان می‌شنیدیم، که متأسفانه برای باور کردن آنها زمینه‌های بسیار مساعد فراهم بود. شنیدن اینگونه خبرها بعد کافی ناخوش‌آیند است، پس اگر جنبه اغراق هم به آن داده باشند، معانوم است که تحمل آن چقدر مشکل و باور کردنش چه اندازه مصیبت‌بار خواهد بود.

ما تقریباً همه‌روزه میشنیدیم که عربها قطار حامل مهمات را محاصره ساخته و تمام سرنشینان آنرا قتل عام کرده‌اند. البته نمیتوان کتمان کرد که چند قطار باین ترتیب منهدم شده بود ولی اگر میخواستیم حتی یکدهم شایعات راجع به این موارد را باور کنیم، تعداد قطارهایی که بدست شورشیان افتاده بود بیش از کل قطارهایی میشد که در تمام حالک بین‌النهرین حرکت میکرد.

شاید ناراحت‌کننده‌ترین خبری که در این مدت دریافت کردیم و متأسفانه با تمام اغراق‌هایش حقیقت داشت، فاجعه «هنگ‌منچستر» بود که يك گردان کامل از این‌هنگ؛ در حوالی شهر حاه (نزدیک خرابه‌های بابل) پس از آنکه اجباراً بعلت تعطی آب به عقب

نشینی مشغول بودند ، در گرمای سوزان به حمله اعراب دوچار شدند و حمله کنندگان تمام افرادی را که در اثر خستگی و تشنگی از صف عقب مانده بودند ، از دم تیغ گذراندند . یکی از علل آنکه به سختی این حادثه میافزود ، این بود که پس از امضاء معاهده ورسای ابره همسران افراد عشقون انگلستان اجازه داده شده بود به شوهرانشان که در نقاط مختلف سی جنگیدند حاضر شوند پس از این اجازه ، تمام زنان و بچهگان انگلیسی که به بین النهرین آمده بودند به علت هوای غیر قابل تحمل این منطقه در اردوی بزرگی که در کرد (در خساك ایران) بنا شده بود ، میلی مرز بین النهرین و در ارتفاع ۳۵۰۰ پائی از سطح دریا) قرار داشت مستقر شدند تا شوهرانشان بتوانند در موقع مرخصی به ملاقاتشان بیایند . افراد خانواده «هنگ منچستر» نیز در میان این گروه جاداشتند .

در این اردو همه نوع وسائل سرگرمی و تسهیلات فراهم شده بود و ساکنان اردو با کمال راحتی زندگی میکردند ، تا اینکه یکروز عصر ، موقعیکه همه آنان برای ورق بازی به چادر مخصوص تفریحات آمده بودند ، خبر مصیبت بار کشتار افراد «هنگ منچستر» بآنان رسید . با شنیدن این خبر ، اردو از صورت عادی خود به یک مجلس عزاداری تبدیل گردید و معلوم شد از میان ۴۰ زن متعلق به افراد گردان مذکور ، در حدود سی تن بیوه شده اند . نکته مهم آنکه در آن موقع این زنان را همیشه از محوطه اردو دور کرد و بسوی وطن فرستاد زیرا عملیات نظامی امکان چنین کاری را میسر نمیکرد و بایستی تا مساعد شدن اوضاع اجباراً در همان محل بمانند تا بعد بصوب دیار خود رهسپار شوند .

پس از این واقعه غم انگیز ، خبر مواجیه نیروهای سفیدآ با ارتش سرخ دریافت شد و بعد از مدتی اطلاع یافتیم که قوای بالشویکها ایالات قفقاز را تسخیر و شهرهای باکو و تفلیس را تصرف کرده اند . این وقایع نشانگر آن بود که ما در آینده ای نزدیک با خطر مهمی دیگر نیز روبرو خواهیم بود ولی چون لازم نبود بیهوده به انتظار آن بشینیم ، سعی کردیم که به کارهای مربوط به خود بپردازیم و آرزومند آینده ای بهتر برای همه باشیم .

ادامه دارد .

---

۱ - معاهده ای است که پس از متار که جنگ بین الملل اول بین دول متخاصم در قس ورسای با امضاء رسید .

۲ - نیروهای سفید به قوای اطلاق میشود که تحت فرماندهی سمن از فرماندهان نظامی روسیه و با حمایت انگلیس ، برخلاف حکومت بالشویک روسیه (ارتش سرخ) قیام کرده و تن به اطاعت از حکومت جدید نمیدادند .